حروف مقطعه از منظر احادیث و مفسران با تکیه بر آراء قرآن‌بسندگان ایرانی ـ
سمیه خلیلی آشتیانی، مسعود باقری
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال شانزدهم، شماره ۶۱ «ویژه قرآن و حدیث: پیوند ناگسستنی»، زمستان ۱۳۹۷، ص ۴۶-۶۴

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.4.0]

حروف مقطعه از منظر احادیث و مفسران با تکیه بر آراء قرآن‌بسندگان ایرانی

سمیه خلیلی آشتیانی*
مسعود باقری**

چکیده: شاخصه عمومی جریان فکری «اهل الذکر یا اهل القرآن» و بویژه قرآن گرایان ایرانی، اتکاء به قرآن کریم و بی‌اعتنائی به روایات، حداقل در مقام تبیین کتاب خدا می‌باشد. از این رو در تفسیر آیات الهی از روایات بهره نمی‌گیرند. از نگاه این نحله فکری حروف مقطعه نیز همچون آیات قرآن قابل فهم است و نیازمند روایاتی که به تفسیر این آیات پرداخته و همچنین دیدگاه‌هایی را که مفسران دربارهٔ این حروف بر اساس روایات ارائه کرده‌اند، نمی‌باشد. اما قادر نیستند تفسیری مدلّل و همسان از این آیات ارائه نمایند و حتی گاهی تفسیر روائی از این حروف را به نام فهم خویش مصادره کرده‌اند. وجود حروف مقطعه در قرآن کریم ناقض اصول این دیدگاه است زیرا در فهم مراد از آیات مذکور نمی‌توان به تفسیر قرآن به قرآن تمسّک جست.

کلیدواژه‌ها: حروف مقطعه؛ قرآنیان؛ روایات تفسیری؛ شریعت سنگلجی؛ یوسف شعار؛ ابوالفضل برقعی؛ مصطفی حسینی طباطبایی.

---

*. عضو هیأت علمی گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران غرب، تهران، ایران. (عهده‌دار مکاتبات)
smh.khalili@gmail.com
**. پژوهشگر حوزه قرآن و حدیث
Bagheri.roochi@gmail.com

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.4.0]

مقدمه

بیش از یک قرن پیش جریانی فکری تأسیس شد که به نام «اهل الذکر و القرآن» مشهور گردید. اینان فقط بر یک منبع، آن هم قرآن کریم اعتماد و اتکاء دارند و می‌گویند حکم حدیث تنها برای کسانی که در عصر پیامبرﷺ می‌زیستند، جاری بود و شامل مسلمانان اعصار بعدی نمی‌شود. (الهی بخش، القرآنیون، ص ۲۱-۱۹)

رویکرد قرآن گرائی عمدتاً از افراط‌گری در حوزه حدیث نشأت گرفته و خود به تفریط و قرآن کفائی صرف منتهی شده‌است. جامعیت قرآن کریم، براساس شعار «حسبنا کتاب الله»، وحیانی نبودن سنت، خدشه در متون و اسناد حدیث از جمله مهم‌ترین شبهاتی است که موجب عدول آنان از حجیت و اعتبار سنت شده، (همان، ص ۲۰۲-۲۵۶) هر چند عوامل دیگری نیز در بوجود آمدن این تفکر مؤثر بوده است. (ن.ک: الهی بخشی، القرآنیون، صص ۲۲-۳۵)

پیروان این مکتب فقط در پاکستان آن هم حدود ۳ درصد جمعیت آن کشور را تشکیل می‌دهند. عالمانِ دیگر مذاهب اسلامی در همان عصر در برخورد جدی و شدید به تکفیر آنان فتوا داده‌اند و البته کسانی نیز در مصر به حمایت از آنان مقالاتی نوشتند و دیگرانی هم به نقد پرداختند. (ن.ک: جبرئیلی، سیری در تفکر کلامی معاصر، ص ۳۰۵)

این گروه که تنها حجیت قرآن را پذیرفته‌اند، در گسترهٔ احکام و تکالیف آن اختلاف دارند. برخی قرآن را در تمام امور اعم از واجبات، مستحبات و مباحات، کافی می‌دانند و برخی نیز موارد غیر مذکور و مستفاد از قرآن را بر عهدهٔ «مرکز الملة» واگذار کرده‌اند. این مرکز به منزلهٔ تشخیص مصلحت و احکام حکومتی است.

قرآنیون یا اهل القرآن، افزون بر مشترکاتی که با دیگر مسلمانان دارند، عقاید

خاص و مخالف با اجماع مسلمانان نیز دارند. نفی شفاعت، انکار حیات برزخی، انکار نسخ در قرآن و نفی هر گونه معجزه برای پیامبر اسلام و انکار عصمت مطلقهٔ آن حضرت از جمله این عقاید است. (جبرئیلی، سیری در تفکر کلامی معاصر، ص ۳۰۶-۳۰۷)

در فروع عملی نیز در جزئیات نماز، با وجود اختلاف درونی در تعداد نمازهای روزانه بین ۳-۶، تعداد رکعات بین دو و چهار، ایام روزه که به نظر آنان در سال ۳۰ روز و یک ماه لازم است، اما انجام آن در خصوص ماه مبارک رمضان ضرورتی ندارد. (همان، ص ۳۰۷)

تفکرات قرآنیون در جوامع شیعی تاثیرگذار بود و با تغییرات و اصلاحاتی با عنوان قرآنی‌ها و قرآن گرایان بروز کرد. رشد این نگرش در ایران به دورهٔ پس از مشروطه به ویژه در عصر رضاخان برمی‌گردد. در این برهه تاریخی، فعالیت بر ضد دین و انتقاد از آن با عنوان «خرافه زدایی از فرهنگ عامه» آغاز شد. البته انتقاد گاه از سوی عناصر خودی و به صورت درونی و گاه به دنبال فشار افکار بیرونی و در ادامهٔ نفوذ تفکر بیگانه و دنیای غرب صورت می‌گرفت. احمد کسروی با الهام از لائیسم غربی و اندیشه‌های پوزیتیویستی نهایتاً اصل دین را هدف قرار داد و شریعت سنگلجی متأثّر از وهابیت عربستانی، با شعار خرافه زدائی پرچم مخالفت با شعائر و عقائد شیعی را برافراشت.

منادیان قرآنی برای مشروع نشان دادن مبارزهٔ خود در برخورد با دین تحت عنوان برخورد با خرافات فعالیت کرده و برای گم کردن راه، مرز خرافات را با حقایق و شعایر دینی تبیین نمی‌کردند. (ر.ک: بصیرت منش، علماء و رژیم رضاشاه، ص ۱۳۶-۱۳۷؛ جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی ـ سیاسی ایران، ص ۲۶۱-۶۲۲)

طیّ عصر مشروطیت و با پشتیبانی پهلوی اول تا دوران حاضر، همگام با اوج غربگرائی به سردمداری محمد علی فروغی، عنوان ضدیت با خرافات به صورت

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.4.0]

یک ارزش فرهنگی درآمد و برخی روحانیون و تحصیل کردگان در حوزهٔ علم دین مانند احمد کسروی، علی اکبر حکمی‌زاده، محمد حسن شریعت سنگلجی، ابوالفضل برقعی و دیگرانی چون مصطفی حسینی طباطبایی بتدریج به شعار قرآن گرائی پیوستند. (همان، ص ۸۰۷-۸۶۶)

از ویژگی‌های قرآنیون ایرانی می‌توان به تأثر از تفکر وهابیت، تظاهر به عقل گرائی، شعار اکتفاء به قرآن در فهم همگی آیات، سختگیری افراطی در استفاده از حدیث، فاصله گرفتن از مرجعیت روحانیت و تقابل با رهبری روحانیت در مسائل دینی اشاره کرد. (ر.ک: روح الله خمینی، کشف الاسرار، ص ۵ و۱۰؛ برقعی، احکام القرآن، ص ۵۲-۵۳؛ شریعت سنگلجی، کلید فهم قرآن، ص ۷؛ روح الله خمینی، همان، ص ۸ و ۹)

بدیهی است در تفسیر آیات قرآن کریم، یکی از منابعی که مفسر را یاری می‌کند استفاده از احادیث پیامبرﷺ و اهل بیت‌علیهم‌السلام است. اما با دیدگاهی که این گروه دارند، طبیعتاً از روایات بهره نبرده، لذا روش تفسیری قرآن به قرآن را تنها راه کشف مقاصد کتاب برشمرده‌اند.

این مقاله به دیدگاه ایشان درباره تفسیر حروف مقطعه خواهد پرداخت. به جهت اینکه آراء مفسران دربارهٔ این حروف با یکدیگر یکسان نیست، ابتدا به معرفی و دسته‌بندی روایات مربوطه و سپس دیدگاه مفسران می‌پردازیم، در نهایت نظرات تفسیری شریعت سنگلجی، یوسف شعار، ابوالفضل برقعی و مصطفی حسینی طباطبایی مورد بحث و دقت قرار خواهد گرفت.

۱. دسته‌بندی روایات تفسیری حروف مقطعه

روایات مرتبط با حروف مقطعه را در چهار دستهٔ کلی به شرح ذیل می‌توان گروه‌بندی کرد:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.4.0]

۱-۱. برگزیده بودن حروف مقطّعه

دسته‌ای از روایات، حروف مقطعه را حروف صفوَه و برگزیدهٔ قرآن معرفی می‌کند؛ چنانکه در حدیثی از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام می‌خوانیم:

«لکلِّ کتابٍ صَفوَة و صَفوَة هذا الکتابِ حُروفُ التَّهجّی؛ هر کتاب و نوشته‌ای بخش‌های برگزیده و برجسته‌ای دارد، و بخش‌های برگزیدهٔ قرآن، حروف آغازین سوره‌های آن است.» (فخررازی، مفاتیح الغیب، ج ۲، ص ۲۵۰؛ حویزی، نورالثقلین، ج ۱، ص۳۰؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۸، ص ۱۱)

این روایت از طریق فریقین نقل شده است. در تحلیلی می‌توان گفت قرآن خود صفوه است و حروف تهجّی صفوه قرآن است، بنابراین حروف مقطعه صفوه الصفوه هستند. می‌دانیم قرآن برای تمام سطوح از مردم دارای پیام و بیّنه است، از طرفی خود قرآن که خود را تبیان کلّ شیء معرفی کرده (وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ) (نحل، ۸۹)، قطعاً تبیان خود نیز می‌باشد، با این وصف کدام روح متعالی و وجود با فضیلتی است که می‌تواند رموز حروف مقطعه را کشف و ارتباط آنان را با سایر آیات دریابد؟ بر اساس آموزه‌های شیعی اکمل افراد انسانی، ارواح معصومین علیهم السلام هستند. (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۳۰) لذا می‌توان این آیات را پیامی برای معصومین علیهم السلام دانست.

مطابق نقلی از ابن‌مسعود، در حروف مقطعه حقیقتی کتمان شده و رمزی نهفته به طوریکه خدا آنها را صفوه قرار داده است (طبرسی، مجمع البیان لعلوم القرآن، ج ۱، ص ۳۳)، یعنی آیات برگزیده برای افرادی برگزیده.

۱-۲. حروف مقطّعه، بیانگر اجزاء اسم الهی

برخی روایات دلالت دارند بر اینکه حروف مقطّعه قرآن کریم، اجزای اسم اعظم الهی است و اگر به درستی و مبتنی بر دانشی الهی ترکیب شوند، اسم اعظم آشکار

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.4.0]

می‌گردد. در حقیقت اسم اعظم در این حروف به شکلی رمزی، پنهان شده است. روایاتی را در این خصوص ذکر می‌کنیم:[1]

از امام صادق علیه‌السلام نقل شده که فرمودند:

«الم» یک حرف از بعضی حروف اسم اعظم خداست که هر جزئی از آن در آیه‌ای از قرآن مجید آمده است، و پیامبر و امام معصوم که به مکانِ آنها آگاهند، هرگاه بخواهند خدا را به نام اعظمش بخوانند، آن حروف تقطیع شده را با هم تلفیق کرده و دعا می‌کنند. خدا نیز اجابت می‌فرماید. (صدوق، معانی الاخبار، ص ۲۳)

امام باقر علیه‌السلام فرموده‌اند:

«الم» و هر حرف از حروف مقطعه قرآن اسم اعظم خداست که رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله یا امام علیه‌السلام آنها را با یکدیگر تألیف می‌کند و دعا می‌نماید، پس دعایش مستجاب می‌شود. (قمی، تفسیر قمی، ص ۲۷؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۳۵۱)

۱-۳. حروف مقطعه، ناظر به نشانه‌ها و اسماء حسنای الهی (لفظی و کونی)

از بعضی روایات بر می‌آید که پاره‌ای از حروف مقطعه، علامت اختصاری و اشاره به اسمی از اسمای حسنای الهی است؛ یعنی هر یک از نام‌های الهی مرکب از چند حرف است و از هر نامی حرفی گزینش شده و به صورت ناپیوسته در ابتدای برخی سُوَر قرآن قرار گرفته است؛ نمونه‌هایی از این روایات را در ادامه ذکر می‌کنیم:

سفیان ثوری از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که عرض کردم: ای پسر رسول خدا! معنای این کلمات از کتاب خدای متعال که می‌فرماید: «الم، المص، الر، کهیعص، طه، طس، طسم، یس، ص، حم، حمعسق، ق، ن» چیست؟ امام صادق علیه‌السلام فرمود:

---

۱. برای نمونه‌های بیشتر ر.ک: مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۹، ص۳۷٦؛ حرعاملی، الجواهر السنیه، ص۳۸۱؛ بیضاوی، انوارالتنزیل، ج۱، ص۹۳؛ ابن عطیه، المحرر الوجیز، ج ٤، ص ۳؛ آلوسی، روح المعانی، ج ١٦، ص ١٥.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.4.0]

معنای «الم» که در ابتدای سورهٔ بقره است، یعنی: منم خدای سلطان و زمام‌دار.

و اما «الم» در ابتدای سورهٔ آل عمران یعنی: منم خدای شریف و بزرگوار که بدون استحقاق، عطا می‌کند.

و «المص» معنایش این است: منم خدای فرمانروا و راستگو.

... و اما «صاد» نام چشمه‌ای است که از زیر عرش می‌جوشد ...

و اما «ن» رودی در بهشت است.... (صدوق، معانی الاخبار، ص ۲۲؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۹، ص۳۷۳)

۱-۴. روایات ناظر به مصادیق خاص

نام مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله[۱]

دسته‌ای از روایات معتبر صراحت دارند، برخی حروف مقطعه در اوایل سُوَر ناظر به نام مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است، برای مثال ذیل سورهٔ «طه» از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند:

اما «طه» پس اسمی از اسامی پیامبر صلی الله علیه و آله و معنای آن «یا طالب الحقّ الهادی إلیه» است. (صدوق، معانی الاخبار، ص ۲۲)

واقعهٔ کربلا

دسته‌ای روایات آیهٔ شریفهٔ «کهیعص» را که از حروف مقطعهٔ قرآن است، اشاره به ماجرای کربلا و شهادت امام حسین علیه السلام می‌دانند. (صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۶۱؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۶۳)

مدت بقای اقوام و اجل امت‌ها

برخی روایات اشاره دارند که حروف مقطعه قرآن بر اساس حساب ابجد، اشاراتی به مدت بقای اقوام و امت‌ها و اجل آنها و نعمت‌ها و بلاها هستند.

۱. برای دیدن روایات بیشتر، رجوع کنید: قمی، تفسیرالقمی، ج ۲، ص ۵۷؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۳۴۲؛ طبرسی، تفسیرجوامع الجامع، ج ۳، ص ۳۸۰؛ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۴۲۶.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.4.0]

(عیاشی، تفسیرالعیاشی، ج ۲، ص ۲۰۳؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص۱۰۶؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۵۱۸)

۲. دیدگاه مفسران دربارهٔ حروف مقطعه

دیدگاه مفسران دربارهٔ حروف مقطعه دو گونه است: برخی به چیستی، و دسته‌ای نیز به چرایی آن پرداخته‌اند:

۲-۱. چیستی حروف مقطعه از دیدگاه مفسران[۱]

۱. معناگرا

در نگاه اندیشمندان معناگرا و عارف، این حروف در شمارِ متشابهات قرآن و سرّ ویژهٔ خدا یا رازهایی میان خدا و رسول اوست که دیگران از فهمش عاجزند، مگر اولیا و مقربان و محبوبان الهی. این دیدگاه از سوی گروهی دیگر از مفسران با اشکال‌هایی نظیرِ لغو شدن نزول حروف مقطعه و ناهمخوانی با ویژگیِ تبیان بودن قرآن روبه روست. از سوی دیگر متشابه خواندن حروف مقطّعه نادرست است، زیرا هیچ مدلول لفظی ندارند. همچنین اشکال می‌کنند سخن گفتن رازناک خدا با رسول، مایهٔ ناآگاهی مخاطبان قرآن از یک سو و خرده‌گیری مشرکان و کافران از قرآن و مسلمانان از سوی دیگر است.

۲. ظاهرنگر

از نظرگاه برخی قرآن شناسان، حروف مقطعه در واقع نام سوره‌هایی است که با آنها آغاز شده است. این نظریه افزون بر برخی اشکال‌ها، مستندِ معتبری ندارد.

بعضی خاورشناسان نیز بر این باور هستند که این حروف جزء قرآن مجید نیستند، بلکه نماد حروف آغازین، اسامیِ برخی مؤمنانِ عصر رسالت هستند که در

۱. عناوین معناگرا و ظاهرنگر در عنوان چیستی حروف مقطعه، برگرفته از کتاب بررسی دیدگاه‌ها درباره حروف مقطعه و روایات آن است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.4.0]

گردآوری آیات و سُوَر کوشیده‌اند و حروف مقطّعه به اشتباه وارد متن آیات شدند. این نگرش سست هیچ شاهد یا مؤیّدی ندارد، و عالمان دینی و دیگر قرآن پژوهان، آن را رد کرده‌اند.

برخی مفسران و قرآن پژوهان نیز معتقدند این حروف سوگندهای الهی برای آسمانی بودن قرآن مجید هستند. این گونه سوگند خوردن نشانهٔ ارزش و منزلتِ حروف است که مادّهٔ بیان و اصول سخنان مردم در محاوراتشان است، چنانکه در پاره‌ای آیات به بعضی اشیای مهم قَسَم یاد کرده است. این دیدگاه محال عقلی نیست؛ اما (اگر مستند نقلی نداشته باشد) ادعایی بی‌دلیل و صِرف احتمال است. از سوی دیگر، هیچ یک از ابزارهای قسم با این حروف همراه نیست و تقدیر گرفتن سوگند، بدون قرینه نیز خلاف اصل است و شاهدی در کلا م عرب ندارد. (رحمانی فرد، بررسی دیدگاه درباره حروف مقطعه و روایات آن، ص ۲۷۹-۲۸۱)

۲-۲. چرایی حروف مقطعه از دیدگاه مفسران

برخی مفسران معتقدند کارکرد این حروف، مرزبندی میان سوره‌هاست. این دیدگاه نادرست است، زیرا تمام سوره‌ها چنین آغازی ندارند، حتی برخی سُوَر قرآنی یکجا فرود آمده‌اند. از دیگر سو، بر مبنای روایات معتبر، آیهٔ (بسم الله الرحمن الرحیم) مرز میان سوره‌ها و آغاز کنندهٔ آنها است.

به باور برخی، شگفت زده کردن کافران و مشرکان و شوق انگیزی آنان برای شنیدن آیات قرآن مجید از کارکردهای حروف مقطعه است. این نظریه با فضای نزول سوره‌های مدنی دارای حروف مقطعه هم آهنگ نیست. این حروف برای آگاهی دادن و جلب توجه پیامبراکرمﷺ نیز نمی‌تواند باشد، زیرا آن حضرت پیوسته حالتی آگاهانه و ملکوتی داشت.

گروهی از مفسران، حروف مقطعه را بیان‌گر اعجاز عددی و نظم ریاضی قرآن

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.4.0]

می‌دانند، اما این نظریه در سوره‌های بسیاری نقض شده است و در موارد صحیح نیز پیوند منطقی میان مقدمه و نتیجه وجود ندارد.

از دیدگاه بعضی مفسران ادیب، حروف مقطعه نشان دهندهٔ اعجاز قرآن از ساده‌ترین و متداول‌ترین ابزار یعنی حروف الفباست. این نظریه از رایج‌ترین تفسیرها و کم اشکال‌ترین دیدگاه‌ها دربارهٔ چرایی حروف مقطعه است. (که البته بعید نیست برگرفته از برخی احادیث باشد)

برخی مفسران نیز معتقدند، پیوند دقیق و ویژه‌ای میان حروف مقطعهٔ هر سوره با محتوای آن برقرار است، به همین دلیل سوره‌های آغاز شده با این حروف در خطوط کلی و سیاق، هماهنگی دارند. این دیدگاه نیز بر حدس و گمان استوار است، نه حصر عقلی، از این رو نصاب لازم برای پذیرش را ندارند. (رحمانی فرد، بررسی دیدگاه درباره حروف مقطعه و روایات آن، ص ۲۸۲-۲۸۱)

۲. دیدگاه قرآن گرایان ایرانی دربارهٔ تفسیر حروف مقطعه

براساس نظریهٔ عموم قرآنیون که در مقدمه گفته شد، تمام آیات تنها از خود قرآن قابل فهم است و در تحصیل مراد خدا از آن لزوماً نیازمند تبیین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام، به عنوان افراد ویژه‌ای که حامل علم الهی هستند نمی‌باشد.

براساس نظریهٔ مذکور، قرآن واجد بواطن و آیات متشابه (به معنای اصطلاحی و روائی) نخواهد بود. البته از لوازم فهم متعارف از هر متنی، آگاهی از ادبیات و معانی و استعمالات لغت بوده که در این دیدگاه هم نفی نگردیده است. بر اساس چنین تفکّری، وجود حتی یک آیه که فهم مراد خدا از آن اختصاص به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام داشته و سایرین را به این ذوات مقدّسه ارجاع دهند ناقض نظریه می‌گردد. این گروه در نوشته‌ها و سخنان خود دلایلی را برای بی‌نیازی از روایات در تفسیر آیات همچون حروف مقطعه آورده‌اند، و مطالبی را که در بخش

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.4.0]

روایات تفسیری این حروف ذکر کردیم توسط ایشان رد می‌شود، در ادامه به بیان و تبیین این دیدگاه می‌پردازیم:

۳-۱. روشن بودن معانی حروف مقطعه در زمان نزول قرآن

در مواجهه با حروف مقطعه تلاش وافری از سوی پیشکسوتان قرآن‌گرائی صورت گرفته تا نشان دهند، حداقل در زمان نزول قرآن کریم معانی حروف مقطعه همچون سایر آیات روشن بوده و تفاوت جوهری میان این دسته با دیگر آیات نازل شده وجود ندارد.

... پس به صورت قاطع حکم می‌کنیم که مخاطبان قرآن از مؤمنان و مشرکان واقف به مراد و معانی این کلمات بوده‌اند و این ندانستن ما سببش دوری عهد و بُعد زمان است که مقصد و مراد را نمی‌دانیم و ندانستن ما دلیل بر غیر مفهوم بودن این کلمات نیست . ... (سنگلجی، کلید فهم قرآن، بخش فواتح سور)

شریعت سنگلجی در همین بخش از کتاب به صراحت بیان می‌کند که امروز ما معنای حروف مقطعه را نمی‌فهمیم و حتی تصریح نمی‌کند که شاید در آینده بتوان مراد خدا را با یاری از سایر آیات کشف نمود. اما در این ادعا که برای مؤمنان و مشرکان عصر نبوی، آیات مذکور بدون تبیین پیامبر اسلام روشن بوده، رجم به غیب کرده و مصادره به مطلوب می‌نماید.

«الم» از حروف مقطعه است و جای هیچ گونه تردیدی نیست که معانی اینگونه حروف در زمان نزول قرآن واضح و معلوم بود، ولی رفته رفته معانی این حروف مبهم شده است و این امر استبعادی ندارد....

با این نظریه، این حروف هم مانند دیگر آیات با تتبّع و تحقیق قابل فهم و تفسیر است، حتّی استفاده از این حروف در قرآن سبب شده برخی گمان کنند در عصر نزول قرآن کریم استفاده از حروف مقطعه در مکالمه و محاوره آن عصر هم متداول

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.4.0]

بوده است، چنانکه یوسف شعار گفته است:

«همچنین است معانی حروف مقطعه که در اول سوره های قرآن قرار دارد و می‌توان در سایه تتبعات و تحقیقات بیشتر به معنای آن پی برد، و تنها چیزی که قابل توجه است و می توان گفت که همین امر باعث عدم فهم معانی حروف مقطعه شده است این است که چنین حروف اختصاری در نظم و نثر آن عصر دیده نمی شود و ناچاریم بگوییم که شاید این حروف اختصاری را در آن دوره بکار نمی‌بردند. ...، ولی آنچه مسلم است، این است که در مکالمه و محاوره آن عصر، چنین حروف اختصاری به کار می‌رفته که خدا نیز بیان کرده است در هر صورت چون که معانی این حروف، مجهول مانده اقوال مختلفی درباره آنها گفته شده است...» (شعار، تفسیر آیات مشکله، ص ۹)

۳-۲. وجود حروف مقطعه وجه اعجاز قرآن کریم نیست

یوسف شعار در ادامهٔ سخنش وجهی را مطرح می‌کند که مفسران برای وجود حروف مقطعه در قرآن بیان کرده بودند به این بیان که؛ ذکر این حروف، توجه دادن به این نکته است که قرآن کریم از همین حروفی که در سخنان متداول عرب استفاده می‌شود تشکیل شده، و این از وجوه اعجاز قرآن کریم شمرده می‌شود، یوسف شعار ادعای این گروه از مفسران را رد می‌کند. وی می‌نویسد:

«برخی دیگر از مفسران می‌گویند منظور از این حروف این است که خداوند مردم را متوجه می‌کند که این قرآن با همان حروفی نازل شده که با آنها تکلّم می‌کنید، ولی شما نمی‌توانید مانند آن و یا مانند یک سوره از آن را بیاورید. این معنی نیز به نظر ما، صحیح نیست ... .» (شعار، تفسیر آیات مشکله، ص ۹)

۳-۳. حروف مقطعه اشاره به اسمای حسنای الهی و سوگند است

وجهی در روایات ذکر شده بود که این حروف اشاره به اسمای حسنای الهی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.4.0]

دارد، ایشان این وجه را در ظاهر پذیرفته اما استناد به روایات نداده است. وی اضافه می‌کند، این حروف سوگند نیز هست.

«عده دیگر می‌گویند حروف مذکور اشاره به اسماء حسنای پروردگار است، مثلاً در (الم)، «الف» اشاره به «الله» و «لام و میم» اشاره به لطیف و مجید و امثال آن می‌باشد. به نظر ما گویندگان این قول تا حدّی به حقیقت مطلب نزدیک شده‌اند.

یک عدّه دیگر عقیده دارند که منظور از آنها [حروف مقطعه]، سوگند به اسماء حسنای پروردگار است مثلاً در (الم *ذَلِكَ الْكِتَابُ لا رَيْبَ فِيهِ...) (بقره، ۱-۲) مقصود این است سوگند به خداوند لطیف و مجید (دقیق و با عظمت) آن کتاب الهی است و در آن شکی نیست. معانی سایر حروف مقطعه هم چنین می‌باشد... . آنچه به نظر بهتر و صحیح‌تر می‌رسد قول اخیر است، یعنی این حروف مقطعه علاوه بر اینکه اشاره به اسمای حسناء است، در عین حال سوگند نیز می‌باشد.» (شعار، تفسیر آیات مشکله، ص ۹)

«یوسف شعار ابتدا نظریه قرآنیون را اصل قرار داده و با اعتماد به نفس شگفت انگیزی همچون سلف خویش مدّعی است حروف مقطعه در عصر نبوی روشن بوده و بعداً مبهم شده است. به سخن دیگر نه تنها خود را موظّف نمی‌بیند که بر ادعای خویش دلیل اقامه کند بلکه طی بیش از هزار سال و هم اکنون، دست کم سی آیه قرآن را مبهم می‌نامد. وی توجه ندارد که این اعتراف صریح، اساس نظریهٔ قرآنیون را منهدم و آن را از ریشه کنده است.

یوسف شعار فهم حروف مقطعه را نیازمند تتبّع بیشتر می‌داند، در عین حال ندای روشن و «بیانٌ للنّاس» بودن قرآن را در کتابش سر داده است. او این معنا را رد می‌کند که «خدا می خواهد بگوید من با این حروف قرآن را ایجاد کرده‌ام ولی شما قادر نیستید همانند قرآن بیاورید.» سپس نه به طور قطعی، بلکه به عنوان یک نظر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.4.0]

بهتر و صحیح‌تر می‌گوید این حروف اشاره به اسماء الهی دارد و به صورت قسم و سوگند آمده، که البته دلیل رجحان این نظر را نیز ذکر نکرده است. ایشان به روایات که شرح آن گذشت رجوع کرده و از میان اقوال مذکور در احادیث امامان معصوم‌علیهم‌السلام این نظر را ذوقی برگزیده است چرا که اگر چنین گزینشی به قرینهٔ آیات قرآن حاصل شده بود، قطعاً آن را ذکر می‌کرد. شاهد سخن، نقل مصطفی حسینی طباطبایی شاگرد یوسف شعار می‌باشد به این مضمون که استادش مقید بود که حتی نکات نحوی قرآن را از خود قرآن روشن نماید مثلاً در بیان متعلق جار و مجرور در آیه (لِإِيلافِ قُرَيْشٍ) (قریش،۱)... ». (از سخنان مصطفی حسینی طباطبایی، کلاس تفسیر قرآن)

۳-۴. حروف مقطعه از آیات متشابه نیستند.

برقعی می‌نویسد:

«... و امّا قول آنکه حروف هجا و مقطّعه را متشابه دانسته صحیح نیست، زیرا حروف مقطّعه مانند الف و باء و فاء و لام وضع نشده برای معنی، تا اینکه متشابه باشد و یا محکم، حروف مقطّعه معنی ندارد تا تحقّق خارجی و معنای تأویلی داشته باشد بلکه این حروف را تهیّه کرده‌اند برای ترکیب که از ترکیب و ضمیمهٔ اینها به یکدیگر کلمه بسازند و از کلمه جمله بسازند مانند اینکه کاف و تاء و الف و باء را به یکدیگر ترکیب می‌کنند و کلمهٔ کتاب را می‌سازند، و خدایتعالی آنها را در صدر بعضی از سُوَر ذکر کرده، یعنی در سوره‌هایی که خواسته عظمت قرآن را بیان کند و از آن تمجید نماید و بگوید کلمات و جملات قرآن از همین حروف متداول بین شما که تلفّظ و ترکیب آنها برای شما بسیار آسان است ساخته شده و آجر اوّل جملات قرآن همین حروف است، شما اگر می‌توانید مانند جملات قرآن از همین حروف بسازید و بیاورید.» (برقعی، تابشی از قرآن، صص ۶۹،۷۴،۱۱۸)

ابوالفضل برقعی معتقد است حروف مقطعه معنا ندارند و خداوند متعال با آوردن

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.4.0]

آنها می‌خواهد ما را به عظمت قرآن تذکر دهد به این صورت که من با همین کلمات، قرآن را ایجاد کرده‌ام ولی شما قادر به آوردن چنین کتابی نیستید. البته یوسف شعار چنین حکمتی را برای وجود حروف مقطعه در قرآن، به صراحت مردود می‌شمارد و برخلاف نظر برقعی معتقد است این حروف معنادار هستند. ضمن اینکه هر دو در روشن و قابل فهم بودن همه آیات قرآن هم نظرند!

«اگر قرار باشد ما قسمتی از قرآن را نفهمیم از کجا می‌فهمیم این قسمت با قسمت‌های دیگر اختلاف دارد، همهٔ قرآن قابل فهم است از باء «بسم الله» تا سین «والناس»، ...اگر حروف مقطعه فهمیده نمی‌شد چرا مردم از رسول خدا سؤال نکردند یعنی شناخته می‌شد؟ سؤال نکردند یعنی همه می‌فهمیدند و اصحاب پیامبر اینها را اسماء الله می‌دانستند، اسماء حسنای خدا می‌دانستند و بحث نمی‌کنم و شاهد قرآنی فعلاً نمی‌آورم. من می‌خواهم بگویم که همهٔ قرآن قابل فهم است ... من مدت‌ها دربارهٔ حروف مقطعه فکر می‌کردم که این‌ها چی است ... میرزا یوسف شعار می‌گفت اینها اسماء خدا است که به طور مختصر آمده است، این قول خوب است که خدا گاهی اوقات ح و م را با هم می‌آورد، حمید و مجید هم در قرآن با هم است. ولی می‌توانیم از این قول فراتر برویم که این قول هم داخلش باشد ... خدای تعالی به نعمت‌هایش قسم خورده ... الفبای عرب نعمت نیست؟ الفبا نعمت نیست، تمام اسماء حسنای با الفبا است. تمام حقوق بشر با الفبا است. تمام روابط بشر با الفبا است. ... هیچ روایتی هم نمی‌خواهد. «کهیعص» یعنی «کهیعص» و خیلی فایده دارد. تمام علوم بشر از اینها است و اسماء حسنائی هم که مرحوم شعار گفته بود، آن هم داخلش است تمام اسمای حسناء هم داخلش هست وقتی خدا به (وَ التِّینِ وَ الزَّیْتُونِ) قسم می‌خورد، به (ما یَسْطُرُون) قسم می‌خورد. به نگارش، قسم می‌خورد به الفبا، که زیربنای همه‌اش است، لااقل این را به عنوان

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.4.0]

نظریه جالب بپذیریم و هیچ احتیاجی به روایت ندارد. عجیب است که همهٔ آن روایات هم با این جمع می‌شود و قابل جمع است یعنی مثلاً آمده که این اسمای حسناء است بله اسماء حسناء هم هست اگر چیز دیگری هم آمده داخل در همین است، یک موضوع وسیعی است که داخل در همین است ... بنابراین این حروف هم که بنیان‌گذار همهٔ اسم‌های خدا همهٔ نگارش‌ها و همهٔ مطالب است یکی از نعمت‌های خداست من جازماً نمی‌گویم، ولی لااقل به عنوان یک قول برجسته، قول ارزنده است ضمناً شما هم نگویید چرا تا به حال این را کسی نگفته ....»
(حسینی طباطبایی، سخنرانی، نهم تیرماه ۱۳۹۶)

مصطفی حسینی طباطبایی برخلاف نظر شریعت سنگلجی معتقد است حروف مقطعه قرآن قابل فهم است و می‌گوید اصحاب پیامبر از این حروف، اسمای حسناء را می‌فهمیدند. البته در اینجا شواهد قرآنی خویش را ذکر نمی‌کند. اما جای این سؤال وجود دارد که اگر چنین معنایی از حروف مقطعه شاهد قرآنی دارد، چرا خود را به سختی انداخته و نظریه پردازی می‌کند، آیا شایسته نبود که مبتنی بر همان شاهد و دلیل قرآنی مفروض، به صراحت اعلام کند مراد خدا از این حروف چیست تا اختلاف اسلاف خویش را حل نموده و موجب قوّت نظریه برای آیندگان گردد ؟!

مصطفی طباطبایی می‌گوید پس از تأمّلات فراوان بالاخره دریافته که الفبا یکی از نعمات خداوند است و خدا با نزول حروف مقطعه تذکّر به این نعمت داده است. اما این سؤال مطرح می‌شود که چرا خدا مطلب به این روشنی را چنین پیچیده بیان کرده که شریعت سنگلجی نفهمیده و یوسف شعار نظر قطعی نداده و برقعی هم متذکر آن نبوده و در نهایت خود ایشان نیز جرأت نکرده که این قول را صریحاً به خدا نسبت دهد و آن را تنها به عنوان یک نظر برجسته معرفی کرده است. نظری

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.4.0]

که با تفسیر برقعی مخالف است و با تفسیر یوسف شعار نیز تطابق نمی‌کند. مهم‌تر اینکه نظر مصطفی طباطبایی بدون دلیل است و توجیه‌گر تمام موارد و تنوع موجود در حروف مقطعه نمی‌باشد و تنها تفسیری ذوقی بوده است.

با این تفسیرهای برخاسته از رأی و یا الهام گرفته از روایات، یک شعار مشترک را هر چهار نظریه پرداز موسوم به قرآنیون تکرار می‌کنند: «تمام آیات قرآن روشن است و نیازی به رجوع به حدیث نیست.»

نقد دیدگاه قرآنیون ایرانی

حروف مقطعه اساساً از جنس کلام نیست بلکه حروفی است که کنار هم قرار داده شده و به نحو تقطیع قرائت می‌گردد. لذا به صورت متعارف نمی‌توان با آن همچون فهم کلمات و گزاره‌ها رفتار کرد و قواعد ادبی را جاری نمود. اصرار قرآن گرایان بر تفسیر قرآن به قرآن بر ای چنین آیاتی، تلاشی بی‌سرانجام و بلکه عملی نامعقول و از سر تعصّب می‌باشد. از سویی دیگر خدای حکیم مراد و مقصودی را از نزول آیات حروف مقطعه منظور داشته است. از این‌رو سیره عقلا حکم می‌کند به سوی آورنده کلام بشتابیم و از ایشان حقیقت سخن را جویا شویم. مقصود خدای قدّوس تنها از سوی کسانی قابل آشکارسازی است که عالم به قرآن و اهل ذکرند و علم آنان به سرچشمه وحی اتصال دارد. در کلام وحی نیز حضرت خاتم صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان معلم کتاب بر امّت معرفی شده، لذا بنا به دلیل نقل و عقل، ما موظف به رجوع به این بزرگان هستیم. ممکن است بر این دیدگاه خرده‌گیری شود که آن مفسران حقیقی، امروز در دسترس نیستند و آنچه در میان ماست منقولاتی است که در کتب روائی جمع گردیده است؛ در پاسخ باید گفت، حتی با این شرایط نیز رجوع به روایات معقول‌ترین روش برای تفحص در کشف مرادات الهی در تکلم به حروف مقطعه می‌باشد. البته گزینش این طریق نافی به کارگیری

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.4.0]

دقت‌های علمی و سندی در مواجهه با حوزه نقل نیست خصوصاً وقتی با تعارضات حدیثی روبرو می‌شویم. اما به قطع می‌توان گفت روش تفسیر قرآن به قرآن و استحسانات ذوقی و مصادرات به مطلوب که در مکتوبات قرآنیان ایرانی به چشم می‌خورد در این خصوص ناکارآمد و بلکه غیر عقلائی است بلکه احتیاط در رجوع به کلمات معلمان الهی قرآن است. در نهایت می‌گوییم حروف مقطعه نقضی آشکار بر ادعای کسانی است که معتقدند همه آیات الهی مستقل بالفهم است و نیازمند اشخاص برگزیده‌ای نیست که به نحو ویژه‌ای به نصب و معرفی الهی، حامل دانش وحیانی باشند.

نتایج

۱. روایات، تفاسیر متعددی از حروف مقطعه ارائه می‌کنند، از جمله برگزیده بودن این حروف نسبت به کل آیات قرآن کریم، بیان‌کنندهٔ اجزاء اسم اعظم، ناظر بر اسماء حسنای الهی و بیانگر مصادیق خاص از جمله، اشاره به نام پیامبر اکرمﷺ، واقعهٔ کربلا و اجل و مدّت بقای اقوام.

۲. روایات تفسیری یکی از منابع مفسران در تبیین آیات است، از این‌رو دیدگاههایی که دربارهٔ حروف مقطعه ارائه می‌شود و حاکی از چیستی یا چرایی این حروف است، ناشی از بهره‌گیری از روایات تفسیری است و لزوماً وجوه تفسیری ارائه شده، عقلی نیست.

۳. قرآنیون ایرانی که این گفتار به بررسی نظرات ایشان پرداخته، ادعا می‌کنند، همه آیات قابل فهم است و نیازمند غیر خودش نیست.

۴. این افراد وجه تفسیری یکسانی از حروف مقطعه ارائه نکرده‌اند.

۵. اغلب وجوهی که در تفسیر حروف مقعطه ارائه و ادعا می‌کنند حاصل ذوق و استحسان ایشان است، برخی نیز دقیقاً همانی است که در روایات آمده است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.4.0]

۶. عاقلانه‌ترین روش در فهم مراد خدا از حروف مقطعه، رجوع به روایات می‌باشد.

منابع

۱. ابن‌بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۵ق.

۲. ابن‌بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، معانی الاخبار، قم، اسلامی، ۱۴۱۷ق.

۳. الهی بخش، خادم حسین، القرآنیون و شبهاتهم حول السنه، عربستان، طائف ۲۰۰۰/۱۴۲۱م.

۴. بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.

۵. برقعی، سیدابوالفضل، احکام القرآن، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، [بی‌تا].

۶. بصیرت منش، رضا، علماء و رژیم رضاشاه، چاپ دوم، تهران، نشر عروج، ۱۳۷۸ش.

۷. جبرئیلی، محمدصفر، سیری در تفکر کلامی معاصر، تهران، ایران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۱.

۸. جعفریان، رسول، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی ـ سیاسی ایران از ۱۳۲۰–۱۳۵۷، چاپ هشتم، قم، نشر مورخ، ۱۳۸۶ش.

۹. حویزی، عبدعلی، تفسیر نورالثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.

۱۰. خمینی، روح الله، کشف الاسرار، [بی‌جا]، [بی‌نا]، [بی‌تا].

۱۱. رحمانی فرد، حسین، بررسی دیدگاه درباره حروف مقطعه و روایات آن، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۴ش.

۱۲. شریعت سنگلجی، کلید فهم قرآن، چاپ پنجم، تهران، انتشارات دانش، [بی‌تا].

۱۳. شعار، یوسف، تفسیر آیات مشکله، تهران، بی‌نا، ۱۳۶۹ش.

۱۴. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۳۰ق.

۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزهٔ علمیه قم، ۱۳۷۷ش.

۱۶. فخررازی، مفاتیح الغیب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.

۱۷. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۷ش.

۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.

۱۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعـة لدرر أخبار الأئمه الأطهار، تحقیق: محمد باقر بهبودی، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.4.0]